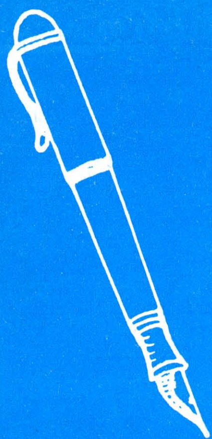
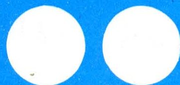




اِقْرَأْ...

قرائت دری

برای صنف دوم



سال: ۱۳۶۵ ه‌ش

قرائت

دری



برای صنف دوم

سال ۱۳۶۵ هـ.ش

مؤلف :

خالد «کاپیسانی»

اعضاء مشورتي :

باطن شاه «صافی» و روژه گل «وحدتي».

بسم الله الرحمن الرحیم ط

بنام خداوند بخشاینده و مهربان

الله[۱] (جل جلاله)

خداوند(ج) یکی است، شریکی ندارد، و به هیچ کسی محتاج نیست.

زمین، آسمان، کوه ها، ستارگان، حیوانات[۲]، نباتات[۳]، باد، باران، انسانان، جنیات و تمامی موجودات را خداوند(ج) آفریده[۴] است. ما را نیز خداوند(ج) هست کرده است.

خداوند روزی دهنده ٔ تمام موجودات زنده است. روزی رسان ما نیز خدا(ج) است. تمامی موجودات زمین و آسمان صفت و ثنای خداوند(ج) را میگویند پس بر ما نیز لازم است

۱- خداوند ۲- زنده سر ۳- گیاه ها و درختها ۴- پیدا کرده است

که ثنا خوان[1] الله باشیم و عبادت خداوند(ج) را بکنیم .

تمرین

۱- جملات ذیل را تکمیل کنید :

الف - خداوند(ج) .... است ، شریک ....

ب- زمین ، آسمان ، کوه ها .... حیوانات ، نباتات ، ......

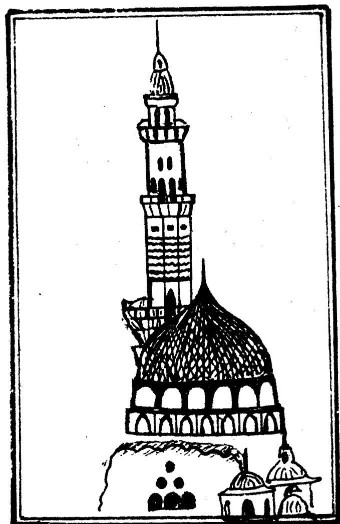
باران و تمامی .... را خداوند(ج) .... است

۲ - کلمات ذیل از چند حرف تشکیل شده اند :

خداوند : خ ، د ..... زمین .... ، نباتات ......

، باد ....

۱- صفت کننده



پیامبر (صلی الله علیه وسلم)

حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) رسول[1] و پیامبر خدا است. ما ایمان[2] داریم که خدا یکی است، ایمان داریم که حضرت محمد (ص) پیامبر خدا و رهنمای[3] مردم است نام پدر حضرت محمد (ص) عبدالله و نام مادرش بی بی آمنه بود. پدرش دو ماه پیش از پیدا شدنش وفات شد. وقتیکه به عمر شش سالگی رسید مادرش هم وفات شد و پیامبر خدا یتیم ماند.

۱- فرستاده شده ۲- باور ۳- نشان دهندهٔ راه

پرورش او را پدر کلانش عبدالمطلب بردوش گرفت، آنحضرت (ص) هشت ساله بود که پدر کلانش نیز وفات نمود لیکن کاکایش ابوطالب زنده بود و پرورش آنحضرت را به عهده[1] گرفت. حضرت محمد (ص) در سن چهل سالگی از طرف خدا (ج) پیامبر شد، و مردم دنیا را به اسلام دعوت[2] نمود. حضرت محمد (ص) در سن شصت و سه (٦٣) سالگی وفات و در مدینه منوره دفن شد.

تمرین

۱- پیامبر ما چه نام دارد؟
۲- مطلب از ایمان آوردن بر پیامبر چیست؟
۳- پدر و مادر آنحضرت (ص) چه نام داشتند؟
۴- نام کاکای آنحضرت (ص) چه بود؟
5- آنحضرت (ص) چند سال عمر داشت؟
٦- آیا شما کاکا دارید؟
۷- آیا پدر و مادر شما زنده است؟

جملهٔ ذیل را چند بار بنویسید:

حضرت محمد (ص) پیامبر خدا و رهنمای مردم است

۱- ذمه ۲- فراخواند



قرآن شریف

قرآن شریف کلام خدا است خداوند (ج) قرآن را بر پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه وسلم نازل کرد، پیامبر خدا (ج) آنرا به مردم دنیا ابلاغ نمود. کسانیکه سعادت داشتند قرآن را قبول کردند و مسلمان شدند، بر خدا (ج)، کلام خدا (ج) و پیامبرش ایمان آوردند و سعادت (۱) دنیا و آخرت نصیب شان گردید. کسانیکه بدبخت بودند از کلام خدا (ج) و پیروی رسول (ص) خدا (ج) سر باز زدند ازین سبب درگروه کفار حساب شدند، که در زندگی دنیا شرمنده، و در آخرت به عذاب خدا (ج) گرفتار استند.

۱- نیک بختی

لغات ذیل را در جملات مناسب استعمال کنید:

۱- سعادت ۲- دنیا ۳- آخرت ۴- شرمنده ۵- کافر

تمرین

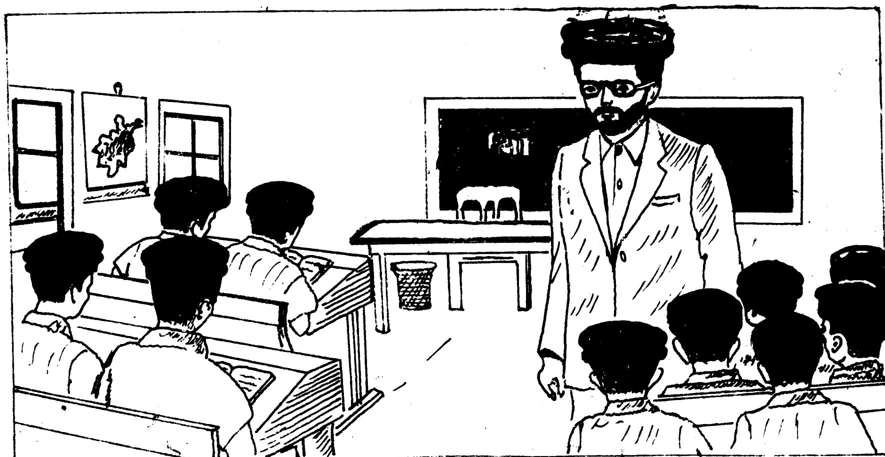
۱ - قرآن شریف کلام وسخن کیست ؟

۲ آیا کافران قرآن شریف را قبول دارند ؟

۳ شما قرآن شریف رامیخوانید ؟

۴ شما چه وقت وهمراه چه کسی قرآن شریف میخوانید ؟

۵ درفامیل شما کی قرآن شریف می خواند ؟



شاگردان صنف دوم

سه ماه رخصتی گذشت. شاگردان صنف اول امسال در
صنف دوم می نشینند. خوش و خندان استند که
همصنفان یکدیگر را در صنف بالاتر می بینند، عجله میکنند
تا معلم نو به صنف ایشان بیاید. معلم نو می آید، و شاگردان
صنف برای احترام معلم ایستاده میشوند معلم نو با اشارهٔ
دست آنها را میگوید. بنشینید، بچه های خوب! شاگردان

می نشینند و به گفته های معلم گوش میگیرند.

معلم نو به شاگردان میگوید :

خسته نباشید! خدا کند از روز های رخصتی استفاده کرده باشید، و روز های رخصتی را به خوشی گذرانده باشید.

شاگردان با یک صدا، در جواب معلم میگویند. زنده باشید استاد!

در روز های رخصتی خستگی ما رفع شده است زیرا که تفریح طولانی داشتیم واکنون برای فراگرفتن دروس جدید آماده هستیم.

تمرین

لغات ذیل را چند دفعه بنویسید.

شاگردان، صنف دوم، معلم، بچه های خوب، رخصتی، جواب، استاد، آماده.

به صنف دوم خوش آمدید

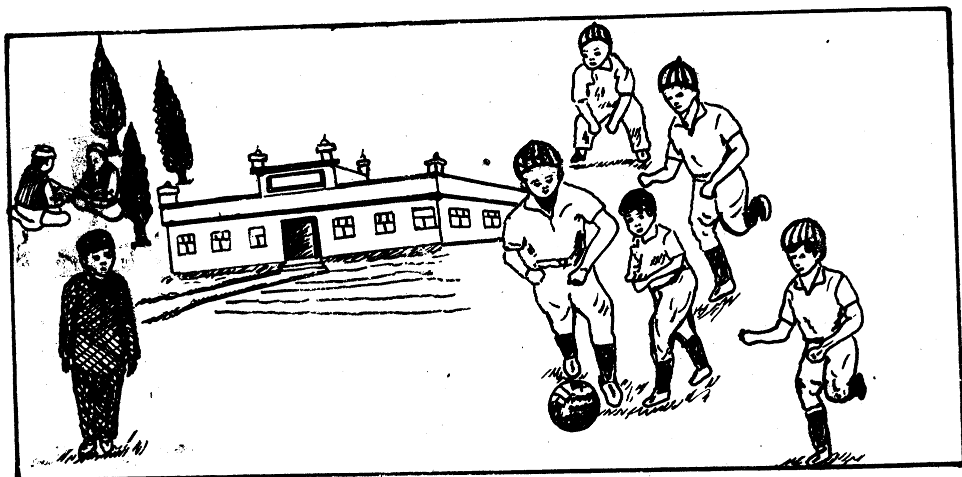
شاگردان عزیز به صنف دوم خوش آمدید!

امسال که شما را در صنف دوم می بینم بسیار خوش هستم. از چهره های شما معلوم می شود که شما نیز خوش هستید! زیرا که سال گذشته سعی[1] و کوشش کردید، دروس[2] خود را خواندید و در امتحانات صنف اول کامیاب شدید.

امیدوارم در صنف دوم نیز دروس روزمرهٔ تان را بخوانید، و آنرا مشق و تمرین نمائید، تا در سال آینده شما را در صنف سوم ببینم.

۱- کوشش ۲- جمع درس

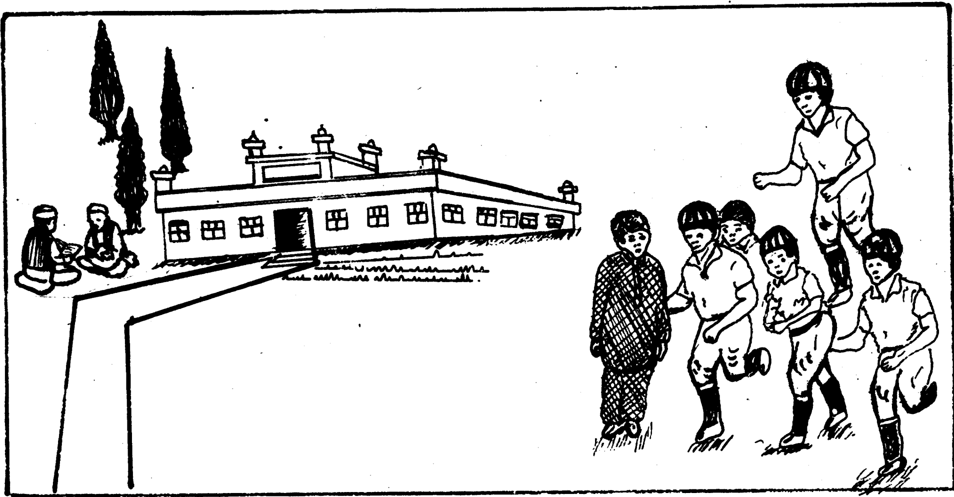
تمرین:
۱- لغات فوق را در جملات مناسب استعمال کنید؟
۲- کدام یکی از همصنفان شما امسال در صنف دوم اول است؟
۳- او چرا اول نمره شد؟
۴- آیا امسال شما هم کوشش میکنید که به صنف سوم اول نمره کامیاب شوید؟



میدان توپ بازی

زنگ تفریح زده شد، بچه های مدرسه به میدان مدرسه برآمدند. شاگردان دوستان خود را یافتند، بعضی با هم مشغول گفتگو بودند، و بعضی در حل سوالات درس نو از یکدیگر کمک میخواستند.

گروهی از بچه ها به توپ بازی مشغول گردید. بچه ها هر طرف میدویدند و خوشحال بودند. استک و



تنها در پهلوی دیواری ایستاده بود زیرا کسی را نمیشناخت،
از بچه های نا آشنا کناره بود، هیچ چیزی نمی گفت
خاموشانه با خود فکر میکرد. ناگاه شریف را دید
که از گروه بچه های بازی کنان جدا شد و بطرف او میدود. اسد
او را شناخت که وی دوست دیرین اش شریف
است. وقتیکه هردو باهم نزدیک شدند، شریف
گفت، اوه برادرم اسد جان السلام علیکم!

چرا در این گوشه تک و تنها ایستاده هستی، بیا توپ بازی کنیم. اسد جواب داد و علیکم السلام، شریف جان، من توپ بازی یاد ندارم. شریف گفت ما هم در اول یاد نداشتیم، ولی آهسته، آهسته تمرین کردیم و یاد گرفتیم! اگر تو هم توپ بازی را شروع کنی حتماً یاد میگیری. اسد به میدان توپ بازی آمد، و شریف با صدای بلند گفت:

برادرهای محترم! اینست دوست نو ما اسد، بیائید تا او را توپ بازی یاد بدهیم.





اسلام

وطن ما افغانستان و دین مردم ما اسلام است،
ما همه مسلمانیم. دین اسلام بهترین دین هااست
زیراکه حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) به مردم چنین فرموده است:
«من تمام خوبی های دنیا و آخرت را برای شما آورده ام،
خداوند مرا امر کرده است، تا مردم جهان را به دین

اسلام دعوت[1] نمائیم»، دین اسلام از پیغمبر اسلام برای ما میراث مانده است. نیاکان ما دین اسلام را پذیرفته و از آن نگهبانی[2] کرده اند. ما که مانند آنها نیز مسلمانیم، و دین اسلام را با دل وجان دوست داریم، از آن نگهبانی میکنیم و دشمنان را فرصت نمی دهیم که بر دین و وطن اسلامی ما بتازند[3].

این جمله را چند بار بنویسید:

دشمنان را فرصت نمی دهیم که بر دین و وطن اسلامی ما بتازند.

۱- فرا خواندن ۲- چوکی داری و حفاظت ۳- تجاوز کنند.



لطیفه

شخصی در نیم شب از خواب بیدار شد. دید که در گوشهٔ حویلی
خانه اش دزدی ایستاده و از جایش شور نمی خورد. زن
خود را صدا کرد و گفت تیر[۱] و کمان[۲] مرا بیار که دزد
است. زنش تیر و کمان را آورد و به شوهرش داد،
شوهرش دزد را تیر باران نمود، و گفت حالا تا صبح با

۱- میلهٔ دراز آهنی که توسط کمان بطرف دشمن یا شکار پرتاب میشود.
۲- چوب کجی که توسط آن تیراندازی میشود.

او کاری ندارم ، چون صبح شد و به سراغ[1] دزد آمد دید که لباس خودش را که بر روی دیوار در میخ آویزان بود تیرباران کرده است . گفت خدا را شکر است ، که خودم در این لباس نبودم ، ورنه تیرباران میشدم .

یادداشت :

معلم صاحب نمونهٔ تیر و کمان را از چوب برای شاگردان تهیه کند .

۱- دنبال ، درپی

کتاب خوب

من یار مهربانم
دانا و خوش بیانم
گویم سخن فراوان[1]
با آنکه بی زبانم
پندت[2] دهم فراوان
من یار پند دانم
من دوست هنرمندم
باسود[3] و بی زیا[4] نم
از من مباش غافل[5]
من یار مهربانم

(عباس یمینی شریف)

تمرین

محترم معلم صاحب تمرین های ذیل را به شاگردان بدهند.

۱- شما کدام کتابها را در صنف دوم میخوانید؟
۲- کدام کتاب را بسیار خوش دارید؟
۳- آیا بدون کتابهای مکتب دیگر کتابها را در خانه میخوانید؟
۴- شما در خانه چه قسم کتابها دارید؟

۱- بسیار ۲- نصیحت ۳- فایده ۴- ضرر ۵- بی خبر

عید فطر

اواخر ماه مبارک رمضان بود، هرکس میگفت عید فطر نزدیک است. کسی لباس نو میخرید وکسی لباس کهنه را رنگ[1] میداد که نو معلوم شود.

پدر شکور از شکور پرسید، کدام نوع[1] لباس رامی پسندی که برای عید فطر داشته باشی؟

شکور آهی کشید وگفت: پدر جان لباس کهنه خود را پاکیزه می شویم تا در نماز عید شرکت کنم. ولی لباس نو دلم نمی خواهد. پدرش گفت چرا؟ شکور گفت: پدر جان: چون روسها، این دشمنان دین و وطن ما بر میهن[2] ما تجاوز کرده اند، و ما را به ترک نمودن وطن

۱- رقسم ۱ ۲- وطن

مجبور ساخته اند، که مهاجر و آواره[1] شده ایم

شب و روز چندین نفر از هموطنان ما در اثر بمباری

روس های ظالم شهید می شوند. پس دلم نمی خواهد که

لباس نو داشته باشم. عید حقیقی ما وقتی خواهد بود

که وطن ما از دست بیگانگان[2] نجات یابد، و دین-

اسلام در آنجا حاکم گردد. همان وقت برای ما عید است

و لباس نو خواهم پوشید.

پدر شکور آهی کشید و گفت راست میگوئی پسر عزیزم.

تمرین: ۱- لغات ذیل را چند دفعه در کتابچه های خود بنویسید:

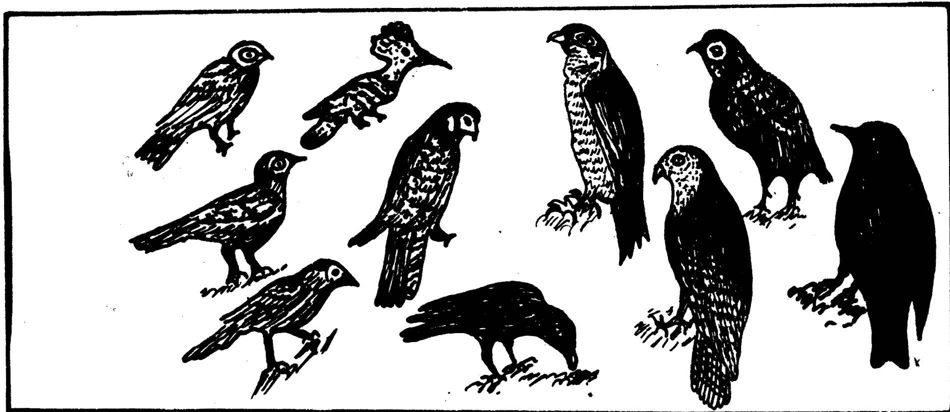
لباس، عید فطر، رنگ، مهاجر و آواره، ظالم، روسهای ظالم، آهی کشید، ماه مبارک رمضان، پاکیزه

۲- معلم صاحب محترم شاگردان را چند گروپ تقسیم کنند و در هر گروپ یک شاگرد را موظف سازد که لغات مذکور را به گروپ خود بخواند و شاگردان گروپ آنها را بنویسند. بعد از آن شاگردان همان گروپ غلطی های خود شان را دسته جمعی اصلاح کنند.

۱- خانه بدوش ۲- اجانب

پرندگان صحرائی

گروهی از پرندگان در صحرائی زندگی میکردند. در نزدیکی آنجا فیلی نیز سکونت داشت. یک روز فیل از راهی میگذشت که پرندگان صحرائی در آن صحرا آشیانه داشتند. آشیانهٔ چند پرنده زیر پای فیل لگدمال وخراب شد و چوچه های پرندگان نیز کشته شدند. پرندگان به گرد هم جمع شدند و مشورت کردند که چه باید کرد؟



هدهد که پرندهٔ هوشیاری بود، رو به دیگران کرده و گفت عزیزان! این صحرا وطن ما و شما است. دشمن ظالم آمد و خانه های ما را خراب کرد. چوچه های ما را کشت. باید سعی کنیم تا دشمن ظالم را از وطن خود بیرون کنیم که در آینده از شر آن در امان باشیم. پرندگان همه با یک صدا گفتند درست است که نگهداری وطن و دفاع از خانه و کاشانه بر ما لازم است، ولی چطور میتوانیم با فیل قوی و کلان مقابله کنیم؟

هدهد گفت وقتیکه یک دست و یک مشت باشیم هر کاری از دست ما و شما شدنی است.

پرندگان گفتند، بسیار خوب زودتر بگو چه کار کنیم تا دشمن ظالم را نابود نمائیم.

هدهد گفت اولاً فیل را میگویم که آمدنت ازین راه غلط است زیرا چوچه

های مارا کشتی باید در آینده ازین راه رفت و آمد نکنی .

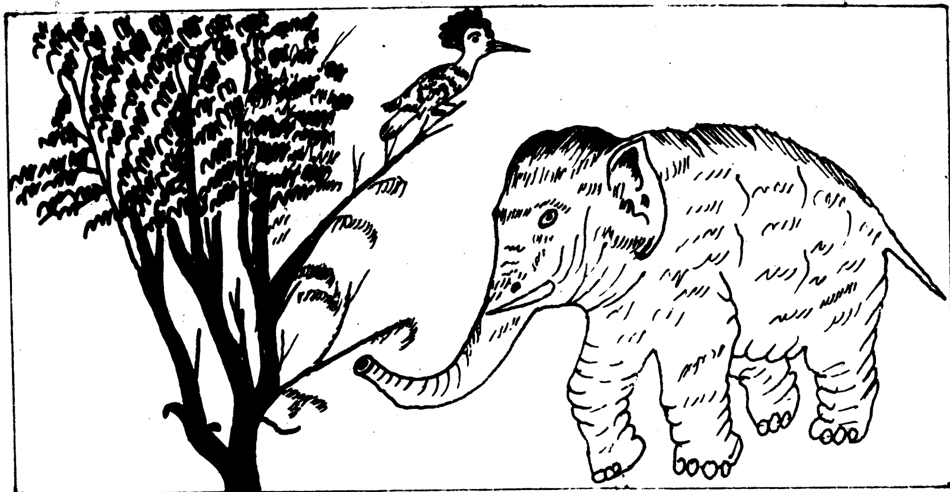
اگر قبول کرد ، بسیار خوب اگر قبول نکرد برای مقابلاش

آماده باشید . گفتند کاملاً درست است . هُدهُد پرید و به

سراغ فیل رفت ، فیل را یافت ، و بر شاخ درختی

نشست و به فیل گفت ، تو که از راه لانه های پرندگان

رفتی لانه های مارا خراب ساختی و چوچه های مارا کشتی . در آینده ،



اجازه نمیدهیم که ازین راه بروی. فیل گفت عجیب است. پرندگان با این ضعیفی به یک فیل قوی وکلان اجازه راه رفتن نمی دهد. برو گم شو! آماده باش که همین حالا می آیم، هرچه میتوانی بکن.

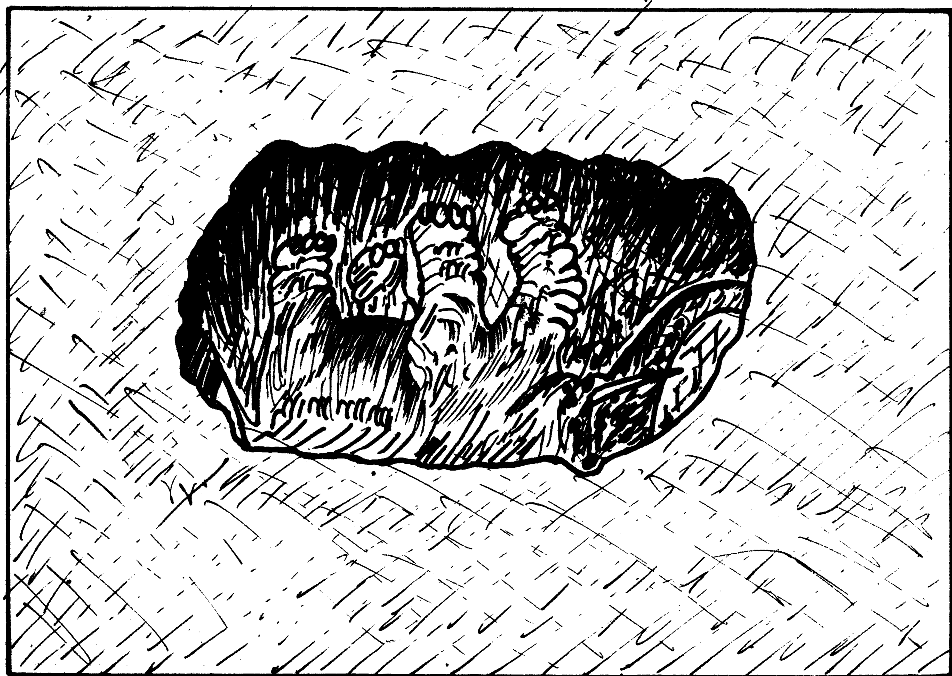
هدهد پیش پرندگان آمد و گفت: دوستان آماده باشید، فیل می آید باید به او نشان بدهیم که ظالم کامیاب نمیشود. پرندگان گفتند آماده هستیم بگو چه کار کنیم؟

هدهد گفت: این گودال را می بینید؟ گفتند بلی گفت باهم می پریم و برلب گودال می نشینیم، فیل آنجا می آید وقتیکه فیل رسید شما را میگویم که چه کار کنید. تمام پرندگان برلب گودال جمع شدند. دیدند که فیل خشمگین به تندی می آمد، و هر طرف میدوید.

وقتیکه پرندگان را دید، قصد داشت بر آنها حمله کند
هدهد با صدای بلندی فریاد زد و گفت بپرید، و هردو
چشم فیل را بکشید.
پرندگان پریدند، و با نول های تیزشان هردو چشم
فیل را کور کردند.
فیل فریاد می زد، و سرگردان هر طرف می دوید که



ناگهان درگودال افتاد، هرچند کوشش و تلاش کرد نتوانست که ازگودال بیرون آید.
پرندگان خوش و خندان شادی میکردند، ونتیجه اتحاد و همبستگی را دیدند و کامیاب شدند و باهم می گفتند: این سزای ظالم است که بالاخره درگودال می افتد.



تمرین

۱- شاگردان عزیز شما پرنده ها را دیده اید ؟

۲- کدام پرنده ها را می شناسید ؟

۳- آیا شما آشیانۀ پرنده ها را دیده اید ؟

۴- پرنده ها چه وقت چوچه میکشند ؟

۵- پرنده ها چه فوایدی دارد ؟

جملات ذیل را تکمیل کنید :

گروهی از .... در صحرای زندگی میکردند .

روزی .... از راهی میگذشت که .... صحرای در آنجا آشیانه داشتند. این سزای ظالم است که بالآخره در .... می افتد .

عینک فروش و خریدار

شخصی یکی را دید که در وقت خواندن کتاب یا خطی بر چشم خود عینک میگذارد با خود فکر کرد ، اگر هر کسی عینک بگذارد خط هم خوانده میتواند .

به عینک فروشی رفت و از عینک فروش خواست به او عینک بدهد، هر قسم عینکی که بر چشمش - گذاشت ، خوانده نتوانست .



به عینک فروش گفت میخواهم عینکی را بخرم که با آن خوانده
بتوانم عینک فروش از وی پرسید آیا گاهی به مدرسه
رفته اید ؟ گفت نه. گفت خواننده هستید ؟ گفت
اگر خواننده می بودم پس چرا عینک می خریدم .

۱ـ محترم معلم صاحب مثل قصهٔ فوق حکایت های دیگر
را برای شاگردان خود بگویید .

۲ـ مطلب خلاصه این حکایت چیست ؟

۳ـ لغات ذیل از چند حروف تشکیل شده اند :

عینک .... چشم .... مدرسه ....
گفت ....

۴ـ معلم صاحب راجع به استعمال عینک به شاگردان توضیحات
بدهد .

مکتوب بچهٔ افغان به کودکان جهان

مرا بشناسید. من افغان استم. وطنم افغانستان و
دین من اسلام است. شما ای کودکان جهان اکنون
در وطن خود سکونت دارید، در خانه خود با پدر و مادر خویش
زندگی میکنید. لیکن من با دیگر هموطنانم از ظلم و تجاوز ظالمان
دنیا، از دست روس ها به ترک گفتن وطن خود مجبور شده، و به
کشورهای همسایهٔ پاکستان و ایران مهاجر شده
ام. بی رحمی روس ها آنقدر زیاد است که هموطنان مرا
زندانی نموده و شهید ساختند. طیارات روسی خانه و کاشانه
ما را بمباران میکنند چرا؟
زیراکه ما مسلمان استیم و کفر را قبول نداریم و آزادی
خود را میخواهیم. تازمانیکه خون در رگ ما است

در مقابل روس ها جهاد میکنیم میدانیم که خارج، با ما کمک میکنند و وطن مارا از شر کفار نگهمیدارد. وقتیکه وطن ما آزاد شد و مانند شما در وطن خود زندگی شروع کردیم از شما خواهیم پرسید که در وقت تجاوز روسها برافغانستان شما چه کردید؟

قوم من افغان است دین من اسلام است
دل پر از ایمان است آئین من قرآن است

تمرین

۱ – آیا از فامیل شما کسی مهاجر شده است ؟
۲ – مهاجر کیست ؟
۳ – هجرت چه فایده دارد ؟
۴ – افغانها چرا به پاکستان و ایران مهاجر شده اند ؟
۵ – درین صنف خانهٔ کدام شاگرد بمباری شده است ؟

لطیفه

روزی یک نفر تخم مرغی را در مشت خود پنهان کرد واز دوستش پرسید، اگر گفتی که در دستم چیست آنرا بتو میدهم که خاگینه کرده بخوری.

دوستش گفت کمی نشانی آنرا بگو ؟

آن نفر گفت : نشانی آن اینست که گرداگردش سفید و داخل آن زرد رنگ است .

دوستش گفت «حالا فهمیدم . این شلغمی است که درون آن خالی شده و در آن زردک کاشته اند .

تمرین

۱- محترم معلم صاحب لطیفه های دیگر را به شاگردان بگوئید ؟

۲- آیا در منطقهٔ شما زردک وشلغم کاشته میشود ؟

۳- کدام نباتات در منطقهٔ شما کشت میشود ؟

۴- کاشتن نباتات چه فایده دارد ؟

۵- خاگینه چه نوع خوراک است و از چه ساخته میشود ؟

احترام پدر و مادر

پدر و مادر سبب پیدایش ما شده اند. خداوند (ج) ما را از پدر و مادر بوجود آورده است. کسانیکه احترام و عزت پدر و مادر خود را میکنند خداوند (ج) برای شان پاداش[1] نیک میدهد.

شاگردان مدرسه به گفته های نیک پدر و مادر شان گوش میدهند. پدر و مادر اولین تربیه دهنده گان ما اند، ایشان ما را راه راست نشان میدهند و از کارهای نادرست و غیر اسلامی ما را منع میکنند. بچه ها و دختر های خوب امر پدر و مادر خود را قبول میکنند. تا وقتیکه پدر و مادر شان زنده باشند در خدمت آنها بسر میبرند.

---

۱ - ثواب، اجر

پیامبر اسلام کسانی را که خدمت پدر و مادر خود را میکردند، دوست داشت.

خداوند (ج) نیز در قرآن کریم چنین فرموده است:

خدا را بپرستید[1] و با پدر و مادر خود نیکی کنید.

تمرین

۱- از شاگردان عزیز پدر و مادر کی فوت شده است؟

۲- پدر و مادر کی زنده است؟

۳- پدر شما چند ساله خواهد بود؟

۴- خدا و پیامبرش در باره حقوق پدر و مادر چه فرموده است؟

۵- آیا شما پدر و مادر خود را دوست دارید؟

۱- عبادت کنید.

علم

آموختن علم بر هر مسلمان فرض است .

با آموختن علم خواننده و دانا میشویم ، و از احکام[1] خدا خبر میشویم .

معرفت[2] حاصل کن ای جان پدر
تا بیابی از خدای خود خبر

علم انسان را قوت می بخشد و نامش را تا ابد[3] زنده نگهمیدارد .

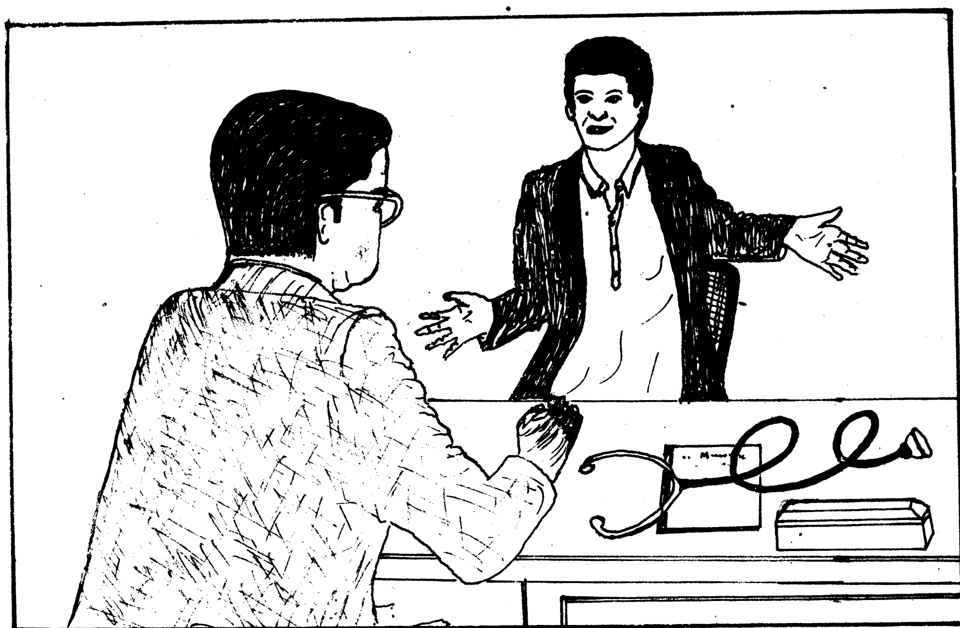
توانا بود هر که دانا بود
ز دانش[4] دل پیر برنا[5] بود .

۱- اوامر ۲- دانائی ۳- همیش ۴- علم ۵- جوان

تمرین

۱- علم چه فایده دارد ؟
۲- عالم کی را گویند ؟
۳- اسم کدام عالم را میشناسید ؟
۴- این بیت را چند بار بنویسید :

توانا بود هر که دانا بود * ز دانش دل پیر برنا بوُد .



لطیفه

یک شخص «مریض به داکتر رفت و گفت شکم من دردمیکند»
داکتر از وی پرسید چه خورده ای ؟
مریض گفت نان سوخته خورده ام .
داکتر گفت برو اول چشم خود را تداوی کن ، باز پیش من بیا .

تمرین

۱- لغات ذیل را چند دفعه درکتابچه های خود بنویسید :

لطیفه ، مریض ، داکتر ، نان ، تداوی ، من

۲- شاگردان عزیز آیا شما کدام وقت مریض شده اید ؟

۳- چه نوع مریضی داشتید ؟

۴- از لطیفهٔ فوق چه فهمیدید ؟

هجرت

وقتیکه دشمنان دین و وطن بر یک ملک اسلامی تجاوز کنند. و مردم مسلمان نتوانند که مراسم دینی خویش را آزادانه انجام دهند و مسلمانان از لحاظ ظلم و آزار دشمنان دین و وطن مجبور شوند که خانه و وطن خود را ترک گویند تا بتوانند مراسم دینی خود را آزادانه انجام دهند و برای آزادی وطن خود آمادگی بگیرند، و در مقابل دشمنان دین و وطن جهاد کنند.

این قسم ترک وطن را هجرت میگویند، هجرت وظیفهٔ دینی هر مسلمان و پیروی از پیامبر خدا ج است. زیرا وقتیکه پیامبر اسلام از آزار کفار مکهٔ معظمه به ستوه آمده بودند به امر خداوند متعال به مدینهٔ منوره هجرت کردند. مردم افغانستان که مسلمان

وپیرو پیامبر خدا ج ، هستند در اثر ظلم و تجاوز روسها هجرت کرده اند .

تمرین

۱- لغات ذیل را در جملات استعمال نمائید ؟

هجرت ، وظیفه ، دشمنان جهاد ، پیروی ، پیامبر ، اسلام

۲- شهرهای مکه معظمه و مدینهٔ منوره کجا واقع اند ؟

۳ - هجرت چه را میگویند ؟



سال

یک سال چهار فصل است. بهار، تابستان
خزان و زمستان.
بهار اولین فصل سال است فصل بهار سه
ماه است حمل، ثور، جوزا. در فصل بهار هوا خوب
میشود و باد نرم میوزد هر طرف سبزه و خرم دیده میشود.
دشت ها و کوه ها، باغ ها و کشت زار ها همه پر از گل

میشود. هرکس با تازگی زمین مسرور دیده میشود. بهار موسم کار است، هرکس کار میکند، دهقانان به کشتزار ها میروند. و به کشت و زراعت می پردازند باغبانان نهال شانی میکنند، بچه ها به مدرسه میروند.

چوپان ها رمه های گوسفند، گله های اسپ، پاده های گاو وغیره را در چراگاه ها میچرانند در فصل بهار هرچیز زندگی نوینی را آغاز میکنند.

ولی یک افغان مهاجر از روزگار تلخ زندگی نمیداند که بهار است. زیرا اگرچه تمام دنیا سبز و خرم و پر از گل است اما در ذهن او گرد و غبار بمباران طیارات روسی نقش بسته است و در گوشش صدای هلیکوپتر وطیارات بم افگن زمزمه میکنند.

تمرین

۱- یک سال چند فصل است ؟

۲- فصل بهار چند ماه است ؟

۳- یک افغان مهاجر چرا نمی داند که بهار است ؟

۴- طیارات روسی در افغانستان چه میکنند ؟

این جمله را چند بار بنویسید :

افغان مهاجر از روزگار تلخ زندگی نمیداند که بهار است.



تابستان

تابستان دومین فصل سال است که بعد از بهار می آید، فصل تابستان نیز سه ماه است سرطان، اسد و سنبله.

در فصل تابستان حرارت آفتاب بیشتر میگردد و هوا گرم میشود. مردم کوچی به جاهای سرد میروند گیاهان سبز بهار به سبب شدت گرمی و کمبود

آب در دشت وصحرا رو به خشکی میگذارند. وسبزه های خودرو به رنگ زرد دیده میشوند، دهقانان کشت خودرا درو میکنند و حاصلات آنرا بخانه میبرند.

افغانستان که یک کشور زراعتی است پیدا وار مهم تابستانی آن گندم و جو است.

میوه های تابستانی از قبیل خربوزه، تربوز، انگور، سیب، زردآلو، شفتالو، توت، انار، انجیر وغیره نیز در فصل تابستان حاصل میدهد.

چون میوه جات افغانستان خوش مزه وشیرین میباشد ازین سبب شهرت جهانی دارد. با وجود اینکه زمین های زراعتی در اثر بمباران شدید طیارات روسی اکثراً کاشته نمیشوند و درخت های میوه دار باغها

خشک شده و حاصلات کم میدهند ولی باز هم مردم ملت قهرمان افغانستان در مناطق آزاد به زراعت و کشت و کار مشغول میباشند.

تمرین

۱ـ در فصل تابستان هوا چطور میباشد ؟

۲ـ پیداوار زراعتی فصل تابستان در افغانستان چیست ؟

۳ـ سه ماه فصل تابستان را نام ببرید ؟

۴ـ میوه جات افغانستان چرا شهرت جهانی دارد ؟



خزان

سومین فصل سال خزان است . خزان هم سه ماه است

میزان، عقرب ، قوس .

در فصل خزان باد های تند و خشک می وزد برگهای

درختان زرد می شوند و می ریزند . هرکس کوشش میکنند

تا برای روز های سرد زمستان به جمع آوری توشه

بپردازد ، زیراکه خزان خبر رسان زمستان است

در بعضی مناطق افغانستان حاصلات زراعتی از قبیل : جواری، برنج ، نیشکر، پنبه ، انگور ، انار وغیره در خزان گرفته میشود .

تمرین

۱ـ درکدام فصل سال برگهای درختان می ریزد ؟

۲ـ خزان چندمین فصل سال است ؟

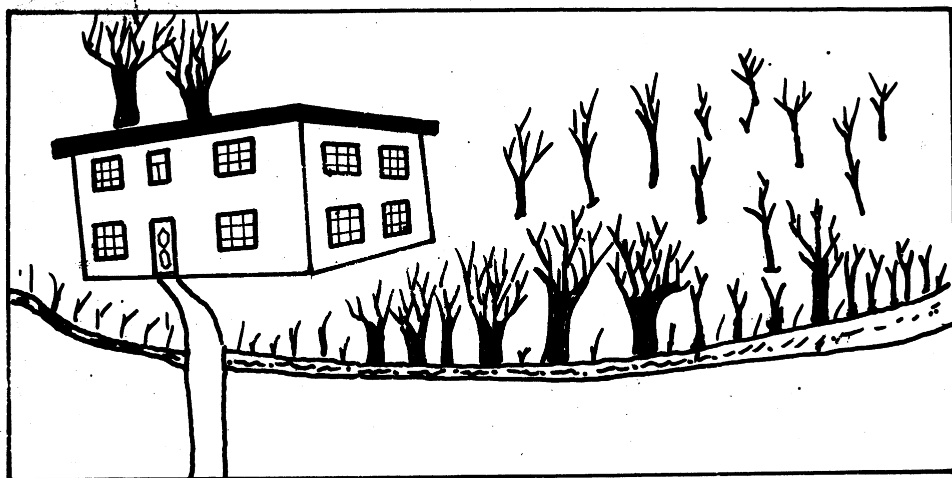
۳ـ در فصل خزان حاصلات زراعتی بعضی مناطق افغانستان چه بیاد شده ؟

۴ـ جاهای خالی جملات ذیل را پر نمائید :

سومین فصل سال .... است .

خزان .... زمستان است .

در فصل خزان باد های ...... و .... می وزد .



زمستان

چهارمین فصل سال زمستان است . سه ماه زمستان عبارت انداز جدی ، دلو ، حوت .

در فصل زمستان در اکثر مناطق افغانستان هوا سرد میشود و در بعضی جا های افغانستان برف و باران می بارد . .

هرکس برای پوشاک پشمی و خوراک بهتر ضرورت

دارد مردم افغانستان زراعت پیشه بوده و در پرورش

حیوانات از قبیل گوسفند، بز، گاو، شتر، اسپ وغیره

نیز مهارت دارند از پشم حیوانات لباس های

پشمی، قالین، گلیم وغیره می بافند و ازگوشت آنها نیز

استفاده میکنند.

لباس های پشمی وگوشت گوسفند و دیگر حیوانات در

هوای سرد زمستان با مردم افغانستان بسیار کمک میکند.

تمرین

۱ — آخرین فصل سال کدام است ؟

۲ — کدام مناطق افغانستان در فصل زمستان بسیار سرد است ؟

۳ — لباس پشمی گرم است یا نخی وسندی ؟

۴ — جملات ذیل راتکمیل نمائید :

سه ماه زمستان عبارت اند از ....

دربعضی جا های افغانستان .... و .... می بارد.

بعد از زمستان فصل .... می آید.